info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۴۰۱
یکشنبه / ۲۶ خرداد / ۱۳۹۸
۱۲ / شوال / ۱۴۴۰
16 / Jun/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه مهرگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: بامداد حیدری
نشانی: کرج، بلوار نوابن، خیابان فرهنگ، جنب کافون، کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۴۳۸۳۸-۲۲۵۴۳۴۳۳-۲۲۵۴۳۴۳۲-۰۲۶ فکس: ۲۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۸۹۷۸۶۳۴۹-۰۲۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۳۲/۲۴۶
چاپ: کارگر

اذان صبح

امروز با حافظ

من اگر خارم و گر گل چمن آرایی هست
که از آن دست که او می‌کشدم می‌رویم
دوستان عیب من بی‌دل حیران مکنید
گوهری دارم و صاحب نظری می‌جویم

خواهید

شهر بی یار مگر
ارزش دیدن دارد؟؟

شهریار

اذان ظهر

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۰۳	۰۵:۵۱	۱۳:۰۹	۲۰:۲۵	۲۰:۴۵

برگه

بیست سال بعد بیشتر به خاطر کارهای نکرده ناراحت می شوید تا کارهایی که انجام داده اید.

مارک تواین

یادداشت

آلودگی زبان یا نگاه؟

عباس عبدی- بنده چون تلویزیون ایران را نگاه نمی‌کنم، درباره وضعیت زبان رایج در آن نیز اطلاع خاصی ندارم که بنویسم. هرچند از ویدئوهای کوچکی که در برخی زمان‌ها با دیدن برنامه‌هایی پخش شده از تلویزیون در فضای مجازی می‌توان فهمید که مشکلات زبانی صدا و سیما خیلی عمیق‌تر از آن است که اینجا به ذهن می‌رسد. نه فقط زبان رایج آنجا بلکه برنامه‌های تکراری یا تقلیدی از برنامه‌های مشهور خارجی، بسیار اعصاب خردکن است. حتی در حد همان ویدئوهای کوچک نیز اعصاب بیننده آشنا به رسله خرد می‌شود. رسانه‌ای که مهم‌ترین محور تبلیغاتی‌اش ضد امریکایی بودن است، ولی یکی از برنامه‌های مشهور امریکایی را به شکل عجیب و بلورنکردنی تقلید می‌کند، بلکه مخاطب به دست آورد یا مخاطب موجود را حفظ کند. روشن است که این نهاد برای کسب و رضایت مخاطب سادلوح یا ساده پسند حاضر است تن به هر نوع مجری‌گری یا هر ادبیات و مضمون گفتاری بدهد. آخرین مورد آن توهین‌های یک مداح بود. مورد دیگر گفتگوی تمسخرآمیز دو نفر درباره پزشکان بود که نمی‌دانم یکی از آنها مجری بود یا هر دو نفر مجری را داشتند؟ بدترین موردش نیز نحوه پوشش خبری و تبعیض‌آمیز قتل حاتم میترا استادبود.

هدف از این یادداشت پرداختن به ضعف‌های تلویزیون ایران نیست که از منظر کارشناسی برنامه‌هایش رد دیگران باید نقد کنند. هدف بنده طرح این نکته است که چرا مساله به این واضحی درخصوص اشکالات فرهنگ زبانی تلویزیون از سوی هیچ کس طرح نمی‌شود. تا اینکه رهبری نظام به آن می‌پردازند؟ این منحصر به ایرانات زبانی صدا و سیما نیست حتی در موضوع اخیر نیز آقای علی مطهری نماینده مردم تهران در مجلس از تذکر رهبری به صدا و سیما به خاطر نحوه پوشش اخبار مربوط به قتل همسر محمدعلی نجفی خبر داده است.

پاسخ در همین نوع واکنش صدا و سیما نسبت به این نقد مقام رهبری است. در واقع پس از بیان این انتقاد، مسئولین صدا و سیما فوراً دست به کار شدند و بخشنامه تند و تیزی صادر کردند. دیدم که آقای علی مطهری نیز به این نحوه برخورد معترض بود و گفته است که گویی مسئولین صدا و سیما یا سایر ادارات مثل خودشان به این مسائل نمی‌رسد و باید رهبری کشور متذکر شود به نظر می‌رسد که اگرچه نقد آقای مطهری وارد است و در مورد نحوه پوشش خبر قتل نیز هنگامی که با انتقاد اهل رسانه مواجه شدند آن را به حسادت منتقدین ربط دادند؛ ولی شاید دو نکته دیگری وجود دارد که اهمیت آن‌ها بیشتر است.

اولین نکته این است که تلویزیون ایران دچار ریزش جدی مخاطب و کاهش شدید اعتماد شده است. این را تمامی نظرسنجی‌ها تأیید می‌کنند. ولی مهم‌تر از ریزش تعداد مخاطبان، ریزش شدیدتر کیفیت مخاطبان است. به این معنا که افراد مؤاثرتر در جامعه به نسبت گذشته خیلی کمتر از صدا و سیما استفاده می‌کنند. بنابراین صدا و سیما در یک دوراهی قرار دارد یا باید کیفیت را از نقا دهد تا افراد مؤاثر جامعه را به سوی خود جذب کند یا با برنامه‌های اینچنینی و عوام‌پسند، جلوی ریزش مخاطبان عادی و پایین را بگیرد. از میان این دو راه حل، آنان راه دوم را پذیرفته‌اند و این راه نیز مستلزم تن دادن به ادبیاتی نازل، کوچه‌بازاری و تهیه گزارش‌های زرد است که بر محور مجریان و گزارشگران به نسبت خودمختار و کم‌سواد می‌گردند. پذیرش راه‌حل اول که افزایش کیفیت تولیدات صدا و سیما است، مستلزم غلبه بر ممیزی و باز شدن فضای این رسانه است که بعید است حتی یک گام به سوی آن بردارند.

نکته دوم شاید مهم‌تر باشد. بسته بودن گوش صدا و سیما نسبت به انتقاد مردم و تخبگان است. اطمینان دارم که اگر همین انتقاد مقام رهبری از سوی یک کارشناس یا حتی عضو فرهنگستان ادب و زبان فارسی طرح می‌شد، هیچ بازتابی در صدا و سیما نمی‌داشت و سخن او را منتشر نمی‌کردند و شاید او را تحریم هم می‌کردند. همچنان که همین مواجهه را با منتقدین نحوه پوشش خبر قتل داشتند. انتقاد همین رفتار است که موجب می‌شود تخبگان جامعه صدا و سیما را از خود ندانند و حتی انتقادهای اینچنینی را طرح نکنند. بیگانگی این افراد با صدا و سیما صد برابر بدتر از اندوگی زبان فارسی در این رسانه است. مشکل اصلی صدا و سیما آلودگی در نگاه رسانه‌ای است. اگر کارشناسان و تخبگان جامعه صدا و سیما را از خود بدانند، انتقادهای خود را بیشتر و زودتر مطرح می‌کنند که در این صورت موردی باقی نمی‌ماند که مقامات عالی نظام مجبور شوند اقدام به انتقاد کنند.

مقاله

پیاده‌روی کافی نیست؛ در شهر پرسه باید زد

شیوان لیونز، کانورسیشن- روان‌جغرافیا همانطور که از خود این اصطلاح نیز برمی‌آید، در قبل مشترک روانشناسی و جغرافیا ایستاده. و بر تجربه روانشناختی ما از شهر درنگ می‌کند. روان‌جغرافیا جنبه‌های از یاد رفته، کنار گذاشته شده یا به حاشیه‌راندشده محیط شهری را آشکار ساخته و پرتویی بر آن‌ها می‌تابانند.

ریشهٔ روان‌جغرافیا هم در نظر و هم در عمل، به حوالی سال‌های ۱۹۵۵ بازمی‌گردد؛ یعنی همان زمانی که گی دوبور این اصطلاح را وضع کرد. اگرچه روان‌جغرافیا از جنبش بین‌المللی موقعیت‌گرای فرانسه زاده شد، اما در عمل مرزها را درنوردید؛ چنانکه امروزه یک نمونه خویش را می‌توان در سیدنی معاصر یافت.

روان‌جغرافیادانان طرفدار گم شدن در شهر هستند؛ این عملی است که به یاری «دقیق» یا «کشیده شدن» رخ می‌دهد.

قدم‌زدن هدفمند دارای برنامه است، و بنابراین از خلال آن نمی‌توانیم به‌مشکلی درخور جنبه‌های خاصی از شهر را دریابیم؛ به همین دلیل، کشیده شدن به این سوی و آن سوی در روان‌جغرافیا ضروری است؛ چراکه قدم‌زننده را بهتر به شهر متصل می‌کند.

روان‌جغرافی‌دانان شخصیت پرسه‌زن را ستایش می‌کنند، یعنی شخصیتی در فرانسه قرن ۱۹ که شارل بودلر بدان پرداخت و در قرن بیستم به دست والتر بنیامین در دانشگاه عمومیت یافت. پرسه‌زنی نوعی قدم‌زدن رمانتیک است؛ پرسه‌زن خیابان‌ها را درمی‌نوردد و هیچ هدفی به جز پرسه‌زنی ندارد.

بیرون استفن در مقاله‌ای که در ستایش پرسه‌زن در سال ۲۰۱۳ در پاریس ریویو منتشر کرد، می‌گوید در دهه‌های بعد از اثر بنیامین، استفاده از پرسه‌زن «به عنوانی محملی برای بررسی شرایط مدرنیته» از محبوبیت افتاده است. استفن این سوال را پیش می‌کشد: حالا که سر ما بی‌امان شلوغ‌تر می‌شود -و بخش اعظمش هم به دلیل تأثیر تکنولوژی است- آیا سزاوار نیست که پرسه‌زن را احیا کنیم؟

قدم‌زدن به عنوان نافرمانی

به لطف روان‌جغرافی‌دانان معاصر، احیای پرسه‌زنی، همین حالا هم آغاز شده است. در این بین ایان سینکلر و ویل سلف (که کتاب‌شان، با نام روان‌جغرافیا ده سال پیش منتشر شد) نقشی برجسته داشته‌اند.

ایان سینکلر در کتاب کمربندی لندن یک پیاده‌روی دور بزرگ‌راه ۲۵M، و «حومه مطرود شهر» را توصیف می‌کند. او مشاهداتش را چنین می‌نویسد: من مجبور بودم دور کمربندی بزرگ‌راه لندن راه بروم؛ داخل بزرگ‌راه نه، بلکه درون چیزی که سازمان بزرگ‌راه‌بانان «قلع صوتی» می‌گویند؛ در رود صدا. بزرگ‌راه جایگزین رودخانه شده است. بزرگ‌راه M۲۵ وظیفه رود خسته تیمز را به دوش می‌کشد. جلبه‌جا کردن کلاه‌های قاچاق، محموله‌های قانونی و غیرقانونی، و راه تصویری زیبا از تمامی کارهای خلاقی که در پس زمینه جاری است.

سینکلر راهپیمایی‌اش را همچون «عملی مناسکی» می‌دانند؛ مناسکی برای تطهیر شرارت و بی‌فکری گنبد هزاره، و ستایش پرآگندگی لندن. قدم زدن برای او نوعی قضیلت است.

قدم زدن، برای سلف، «وسیله‌ای است برای از بین بردن ماتریکس مکانیکی شده‌ای که پیوستار فقط زمان را فشرده می‌کند». او یک رهگذر تنها را چنین توصیف می‌کند: «حقایق علیه جهان معاصر. کسی که با راه رفتن، در زمان مسافرت می‌کند».

بنابراین روان‌جغرافیا از این جهت مفید است که نشان می‌دهد قدم‌زدن نعمتها به خودی خود نوعی هنر است، بلکه برای درک پیچیدگی تاریخ و اسطوره در چشم‌اندازهای شهری نیز ضروری است.

روان‌جغرافیا در سیدنی

سیدنی مدت‌هاست به‌عنوان شهری برای قدم‌زدن مشهور است و افرادی خاص مشتاق کشف کردن ظرفیت‌های روان‌جغرافیایی‌اش هستند. فعالان و نظریه‌پردازان «روان‌جغرافیا» در سیدنی معاصر، افرادی مانند ونسا بری، یان کالینسون، و پیتر دویل هستند. ولاف بری، یا نام آینه سیدنی، بر ماجراجویی‌های روان‌جغرافیایی او در سیدنی متمرکز است.

او در گشت و گذارهایش در محله‌هایی همچون سنت پیترز، تمپه، لایکهارت، سیدنهم، و هورزنبای از روان‌جغرافیا سود می‌برد تا «فسون» جاهایی را بازگرداند که خودش می‌گوید «دادیده گرفته شده و یا دیگر موضوع توجه‌نیستند».

او می‌گوید: برخی از جاهای سیدنی که من بیشتر دوست دارم پیرامون‌شان بنویسم، آن‌هایی هستند که به گذشته نزدیک تعلق دارند و اکنون بلااستفاده یا مخروبه‌اند، اما با این حال هنوز در محیط شهری حضور دارند.

بری در آوریل ۲۰۱۸، به همراه موژهٔ سیدنی، تور اتوبوسی با نام «سیدنی گم‌گشته و بازیافته» را برگزار کرد.

روان‌جغرافیا در کنار کاربردهایی همچون کشیده‌شدن به محله‌های حاشیه‌ای و بازگرداندن افسون آن‌ها، کاربردی تاریخی نیز دارد. در مواردی که با چشم‌اندازهای زخم خورده از رنج و جنایت مواجه‌ایم، خوش‌های روان‌جغرافیایی آندهبارند ناگوار.

برای نمونه، دیوید براون، از دانشگاه نیو ساوث ولز، یک خوانش روان‌جغرافیایی در بازهٔ قدم‌زدن از ساحل ماروبرا تا بوندی و تاریخ پر از جنایت‌اش ارائه کرده است. براون هنگام قدم زدن به سوی پارک مارکس در بوندی، با آن حال و هوای حمام‌های ضد همجنس‌گرایی در دههٔ ۱۹۸۰ (که بیشترشان نیز حل نشده باقی مانده‌اند) مشاهداتش را چنین ذکر می‌کند:

صحبت کردن و قدم‌زدن هر روزه هنگام گذشتن از یک «هنظره»، جرم‌شناسی زندگی روزمره را می‌سازد. این امر نشان می‌دهد چگونه آگاهی از جنایت، محل های جنایت، تحلیل‌ها و نظریه‌ها می‌تواند در اینکه چگونه یک مسیر گردشگری دیده و تجربه شود تأثیر گذارد، و چگونگی ساخت اسطوره‌ها و تحریف تاریخ را مشخص گرداند.

این واقعیت که پارک در جوار مجسمه‌های کنار دریا قرار دارد؛ مجسمه‌هایی که یکی از جنایت‌ترین مسیرهای گردشگری بوندی از سال ۱۹۹۷ بوده‌اند، قابل توجه است؛ چراکه به‌نظر می‌رسد دربی اهمیت‌زدایی از تاریخ وحشیانه منطقه هستند؛ تاریخی که گردشگران نادیده‌اش می‌گیرند و محلی‌ها به فراموشی‌اش می‌سپارند.

پیمودن شکاف خاطره

ماریا توماز کین، استاد دانشگاه ملبورن، اصطلاح زخم‌ها را به کار می‌برد. یک زخم‌ها «نوع خاصی از مکان است که رنج کشیدن، روح و جسم آن را دگرگون کرده است؛ زخم‌ها بخشی از جای زخمی است که سرتاسر جهان را فرا می‌گیرد».

سینکلر نیز مانند توماز کین درمورد چیزی صحبت می‌کند که خودش «ترشت‌گاه» می‌نامد؛ واژه‌ای جدید که به تحولات منفی در چشم‌انداز شهری اشاره دارد. خود سینکلر این اصطلاح را برای ارجاع به یکتون آلیس به‌کار می‌برد؛ یک محل نلندار کردن زباله در لندن که پس از بازسازی به یک تفرجگاه تبدیل شد. این واقعیت برای سینکلر جذاب بود که بازدیدکنندگان گمان نمی‌داشتند جایی ایستاده‌اند که پیشتر کوهی از زباله بوده است.

تغییر کاربری قفاد دفنه‌ها روان‌جغرافیا را تشدید می‌کند. لوح بازنوشته -شیء یا تکه کاغذی که چیزهای جدیدروی نوشته‌های قبلی‌اش اضافه شده‌اند- از اهمیتی خاص برخوردار است.

آندریاس هویسن در کتاب گذشته‌های حاضر: لوح بازنوشته شهری و سیاست‌های حافظه، دربارهٔ بدیدهٔ فزاینده حافظهٔ انتخابی بحث می‌کند که در شهرها (برلین، نیویورک و غیره) به مصاف زخم‌ها رفته‌اند.

او به طور مشخص از «برلین به عنوان لوحی بازنوشته» سخن می‌گوید. او برلین را همچون «شهر-متنی نامعخوان» می‌بیند «که در حالی بازنویسی می‌شود که متن‌های قبلی حفظ شده، رد و نشان آن‌ها بازگردانده و زدوده‌هایشان مستند می‌گردد». او شهر را همچون متنی می‌داند که مناکرات گذشته و حال، و تاریخ تازی و کمونیسم تسخیرش کرده‌اند.

این چیزهاست است که روان‌جغرافیا را به نقدی سودمند در ورای بازگرداندن صرف افسون شهری، بدل می‌سازد. روان‌جغرافیا به عنوان پرسشگری از فقدا و تاریخ رشد می‌کند و واداره‌مان می‌سازد -دست کم برای لحظه‌ای- مفاهیم روزمره و ظاهری یک مکان را کنار نهیم، تا بتوانیم تاریخ سیال آن را به پرسش گیریم.

شیوان لیونز
ترجمه: آرش رضاپور

یادداشت

بهره گیری از فضای ابری (Cloud‌ها) در هتل‌ها

امروز روند سرمایه گذاری در حوزه رایانش ابری (Cloud‌ها) به شدت افزایش پیدا کرده است. هزینه‌های زیرساخت‌های مبتنی بر IT و فناوری اطلاعات به‌سرعت در حال افزایش بوده و حجم یا اهمیتی از هزینه‌های هتل را شامل می‌شود. لزوم توجه به فضای کسب و کار الکترونیکی و بالا بودن هزینه‌های سرمایه گذاری در این زمینه، مدیران هتلداری را به این فکر انداخته که این رایانه‌ای یک راه‌حل ایده‌آل است.

این راه‌حل نه تنها سرمایه گذاری نهایی را کاهش می‌دهد بلکه هتل‌ها را به انعطاف‌پذیری بیشتری برای گسترش و تنظیم نیازهای فناوری اطلاعاتی خود و ارتقای آن رهنمون خواهد ساخت. توجه و دریافت درک درست از روند تکنولوژی برای اشخاصی که در صنعت هتلداری فعالیت دارند بسیار ضروری است، زیرا این صنعت به شدت رقابتی است. این به آن معنی است که کسانی که خود را در این زمینه منطبق نکرده‌اند به سرعت عقب مانده و به زودی محو خواهند شد. انتظارات مشتریان دائما در حال تغییر است. فناوری می‌تواند به کسب و کار در صنعت هتلداری کمک کند و به آنها توان رقابت بدهد. فناوری باعث مدیریت داینسه بر زمان و صرفه‌جویی در هزینه‌های هتل و توسعه و استمرار رضایتمندی میهمان می‌شود. علاوه بر آن می‌توان برخی از این مزایا را در پنج بخش طبقه‌بندی کرد:

۱- امنیت: وقتی صحبت از امنیت اطلاعاتی و به‌ویژه شخصی میهمانان است، ضرورت توجه به آن بیش از پیش می‌شود. میهمانان باید مطمئن باشند از اطلاعات شخصی آنان به خوبی مراقبت می‌شود. شماره کارت‌های اعتباری، مشخصات شخصی میهمان اعم از آدرس و شماره تلفن‌های همراه و... بخشی از اطلاعات است که میهمانان اصلا تمایل به افشای آن نزد دیگران ندارند. اکنون به جای ذخیره این جزئیات به‌طور انحصاری در رایانه، جایی که آنها می‌توانند از دست رفته یا دزدیده شوند، از Cloud‌ها استفاده می‌شود. اکثر نرم‌افزارهای کاربردی مدرن شامل قابلیت ذخیره‌سازی ابری و پشتیبان هستند.

۲- صرفه‌جویی: صرفه‌جویی در مصرف انرژی یا پول کار آسانی نیست. فناوری می‌تواند با استفاده از تکنیک‌هایی مانند مدیریت تنظیم نور خود کار و... در رسیدن به این اهداف موثر واقع شود.

۳- بهره‌وری: میهمانان هتل تمایل به انتظار ندارند. فناوری کمک می‌کند که میهمانان بدون معطلی با استفاده از تکنولوژی روند ورود و خروج خود را تسهیل کنند. این کار می‌تواند ضمن بالا بردن میزان رضایتمندی، موجب بهبود تجربه میهمانان نیز شود.

۴- سادگی: ابزارهای یکپارچه قابلیت آن را دارند که به سادگی توسط گوشی‌های هوشمند میهمانان مدیریت شوند. در این صورت کاربر می‌تواند به سادگی امکانات رفاهی مانند استخر، سالن بدنسازی، آب گرم، رستوران یا سفارشات خشکشویی خود را انجام داده و ضمن اطلاع از میزان هزینه آن موارد را بررسی و انتخاب کند.

۵- رزرو آنلاین: ظهور سایت‌های مسافرتی خلاق، پرتوان و هوشمند، باعث ارائه امکانات و خدمات بیشتری در حوزه رزرو هتل‌ها شده است. نوآوری و رقابت در این حوزه تا حدی بالاست که میهمانان دائما با پیشنهادهای جالبی از طرف این سیستم‌ها مواجه شده‌اند. این نوآوری و توان رقابت فقط در سایه فناوری امکان‌پذیر است.

مسعود غلامی

باشعرای کرج

عصریخی

روز گارم تلخ بود و رنج هایم بیشمار
سرد در عصرِ یخی، گم گشته ای با حالِ زار

شایرک بود و لی در پیله ای تاریک و تنگ
بی پرِ پرواز در تلوِیتِ غم هد دل فکار

تا حلولِ روی تو در آسمانِ شعرِ من
در هجوم بی قراری، داد شعرم را قرار

شوق پرواز م شدی ای هستیم در هستِ تو
تار تو در پود جانم می تند گویی بهار

لاله ی تنها فقط از ژاله می گیرد شراب
آنکه در دستانِ یاد افتاده دور از لاله زار

نقش بستی بر کتِ فنجانِ صرم همچو فال
همچنان رویای شیرینی که مانَد پایدار

تنگ در آغوش تو هر لحظه باشم در خیال
جانِ رویای پری وش، کی سر آید انتظار

پری وش فیروزبخت

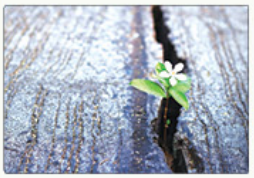

بریده جراید

دو تهدید برای «زمین رایگان گردشگری»

دنیای اقتصاد- در حالی حدود یک ماه از موافقت حسن روحانی، رئیس جمهور، با پیشنهاد علی‌اصغر مونسان، رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در زمینه تامین زمین موردنیاز برای ساخت هتل و اجرای طرح‌های گردشگری در ۵۰۰ نقطه از کشور به‌صورت رایگان یا با اقساط ۲۰ ساله می‌گذرد که هنوز جزئیات از این طرح منتشر نشده است. با وجود تماس‌های مکرر «دنیای اقتصاد» با معاونت سرمایه‌گذاری سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اما همچنان مسوولان در این زمینه پاسخگو نیستند. منتشر نشدن این جزئیات که ابعاد ماجرا را مشخص کند، موجب شده برخی از کارشناسان گردشگری برای اجرای این طرح نگرانی‌هایی داشته باشند. کارشناسان بر این عقیده‌اند که در مرحله اجرایی دو تهدید متوجه این طرح خواهد بود: تهدید نخست ایجاد رانت و تهدید دوم نیز مکان‌یابی بدون در نظر گفتن اصول و ظرفیت‌های گردشگری است. در همین حال، برخی نیز تاکید می‌کنند در صورت اجرای این طرح و حتی با شکست بخشی از آن، تبعات سختی متوجه چنین طرحی خواهد بود که لزوم برنامه‌ریزی صحیح برای آن را بیشتر می‌کند.

استفاده از سرمایه‌گذار خارجی در چنین طرحی موضوعی است که از نگاه نیک‌جو می‌تواند کمک‌کننده باشد و در کنار ورود ارز به کشور بر قوت مدیریت هتلداری خواهد افزود و همچنین باعث ایجاد کارآفرینی و اشتغال‌زایی کلان می‌شود. اما به باور این پژوهشگر گردشگری آنچه در زمینه هتل‌سازی اهمیت دارد مکان‌یابی برای ساخت این هتل‌هاست. او در این زمینه می‌گوید: «مکان‌یابی برای آنجا مهم است که سرمایه‌گذار به این اطمینان برسد زمینی که در اختیارش قرار می‌گیرد مکان مناسبی برای سرمایه‌گذاری ثمربخش باشد. در غیر این صورت این طرح کارگر نخواهد افتاد و به بازگشت سرمایه منجر نمی‌شود». نیک‌جو ارائه آمار صحیح و دقیق به سرمایه‌گذار را تکته مهم دیگری می‌داند: «باید به سرمایه‌گذار آمار واقعی داد. آمارهای دقیق و درست باعث می‌شود زمین‌ها کارشناسی شده در اختیار سرمایه‌گذار قرار گیرد. به‌عنوان مثال چقدر گردشگر داخلی از هتل ۴ و ۵ ستاره استفاده می‌کند؟ چقدر ظرفیت هتل‌سازی با آمار دقیق گردشگر ورودی همخوانی دارد؟» از این منظر وی معتقد است برخی از نقاط کشور اگر ظرفیت ساخت هتل ۴ و ۵ ستاره ندارد، شاید ظرفیت ساخت هتل آپارتمان داشته باشد. این نیازسنجی در هر شهر و منطقه نیز باعث می‌شود تا ریسک سرمایه‌گذاری کمتر شود.

از سوی دیگر این سوال مطرح می‌شود که آیا این ۵۰۰ نقطه تنها برای ساخت هتل خواهد بود یا تاسیسات گردشگری دیگری را نیز به‌صورت قابل توجهی شامل می‌شود؟ موضوعی که هنوز به‌صورت روشن از سوی سازمان میراث‌فرهنگی مطرح نشده است. با این حال عادل نیک‌جو توجه به این موضوع را نیز مهم می‌داند که ممکن است برخی نقاط کشور برای توسعه گردشگری بیشتر از آنکه به هتل ۴ و ۵ ستاره نیاز داشته باشد تاسیسات گردشگری دیگری بخواهد: «تاسیسات گردشگری تفریحی در ایران بسیار کم است. اگر به این نکته نیز در این طرح کمک شود در توسعه گردشگری بسیار کمک خواهد کرد».

به باور این کارشناس گردشگری، ارائه تسهیلات گردشگری به معرفی آن منطقه و همچنین اشتغال‌زایی محلی نیز بسیار کمک خواهد کرد که تاسیسات گردشگری که در سال‌های اخیر در مشکین‌شهر ایجاد شده نیز نمونه موفق در این زمینه است.

توجه به استفاده از نیروی محلی و افزایش اشتغال‌زایی منطقه، توجه زیست‌محیطی در جامعایی این ۵۰۰ نقطه در کشور، توجه به مسائل فرهنگی و اجتماعی منطقه و... نکات دیگری است که نیک‌جو بر آنها تاکید داشته و لازم می‌داند برای مکان‌یابی باید به این زوایا به‌صورت کارشناسی شده توجه شود. اتفاقی که نتیجه‌اش توسعه مناطقی خواهد شد که به شدت به سرمایه‌گذاری گردشگری نیاز دارد و رفاه مردم منطقه را به همراه خواهد داشت. نگرانی ایجاد رانت نیز موضوعی است که نیک‌جو هم به آن اشاره کرده و می‌گوید: «برای ایجاد نشدن رانت در این طرح لازم است به این موضوع توجه شود که این تسهیلات قرار است به چه سرمایه‌گذارانی تعلق گیرد؟ درغیر این صورت ایجاد رانت امری قابل پیش‌بینی خواهد بود. همچنین ممکن است رقابت‌پذیری را برای سرمایه‌گذارانی که این طرح به آنها تعلق نگرفته است دشوار تر کند و رقابت‌پذیری عادلانه نباشد.»

قابلیت اجرا شدن این طرح بزرگ کشوری علامت سوال بزرگی است که هنوز بسیاری از کارشناسان اقتصادی نتوانسته‌اند به آن پاسخ مناسبی بدهند. بسیاری از آنها بر این باورند در کشور طرح‌ها همیشه همان‌طور که نوشته شده عمل نخواهد شد.

جعفر خیرخواهان، اقتصاددان و استاد دانشگاه نیز با اشاره به اینکه این طرح، روی کاغذ طرح خوبی به نظر می‌رسد، می‌گوید: «طرح قابل قبولی است؛ اما اینکه در عمل چه اتفاقی می‌افتد و پشت صحنه چه می‌گذرد مشخص نیست.»

او اصلی‌ترین علت این موضوع را عدم نظارت، دقت، پیگیری و بررسی تا به نتیجه رسیدن طرح می‌داند و می‌گوید: «متاسفانه آنقدر طرح‌های روی کاغذ در عمل به درستی پیش نمی‌رود که نمی‌توان نسبت به اجرایی شدن درست این طرح هم نگاه خوش‌بینانه‌ای داشت.»

به نظر می‌رسد ریسک اجرایی شدن چنین طرحی را در صورت پیش نبردن آن به‌صورت کارشناسی شده بالا باشد. اگر این سرمایه‌گذاری‌ها محرک گردشگری نباشند سرمایه‌گذاران بعدی را دلسرد خواهد کرد و حتی اگر از این ۵۰۰ طرح در ۵۰۰ نقطه کشور یک پنجم آن هم موفق نباشد بیشتر از پروژه‌های موفق به چشم خواهد آمد. به همین دلیل نباید برای اجرایی شدن آن عجولانه کاری کرد. چون پاسخگویی به عدم موفقیت‌ها ساده نخواهد بود.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود یا آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان- در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS

امروز بهترین فرصت است
برای پیوستن به جمع درمان یاران